

## یا واهب العقل لك المحامد

### الی جنابك انتهى المقاصد

فلسفه نیز اشتغال داشتند، چند شماره‌ای منتشر شد و پس از انقلاب نیز دو سه شماره دیگر از آن انتشار یافت. ویژگی این نشریه در سابقه خود همسان خصلت روحی بانی اولیه آن یعنی جناب دکتر کریم مجتهدی، سادگی و بی‌آلایشی از سویی، و صیغه علمی و دانشگاهی آن از سوی دیگر بود. البته وضعیت کنونی جامعه ما از نظر کثرت نشریات و انتشار مجلات گوناگون با سالهای پیش از انقلاب قابل مقایسه نیست، ولی نیاز به یک نشریه صرفاً علمی و به اصطلاح، آکادمیک، و به دور از گرایش و سلیقه فردی و یا اجتماعی و سیاسی، همچنان باقی است و لذا خصلت بی‌آلایشی همچنان از ویژگی‌های این نشریه خواهد بود. علاوه بر نیاز اجتماع در سطح گسترده و عام، به وجود چنین نشریاتی، نیاز اساسی‌تر به خود گروه فلسفه دانشگاه تهران به عنوان قدیمی‌ترین، تخصصی‌ترین و به عبارتی رسمی‌ترین نهاد دانشگاهی و علمی کشور جهت تعلیم و تعلم و گسترش پژوهش‌های فلسفی باز می‌گردد. اگر یک گروه علمی متشکل از قریب بیست نفر

حمد، یگانه‌ای را سزاست که از اوست هر چه سزاست، و شکر و ستایش او نیز، آنچنانکه شایسته اوست، از ما نه به رواست که «ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» دوستداری دانش که همان دوستداری عقل است و همان فلسفه است، گویی شهاب نورانی یا جذوه‌ای است که نصیب آدمی است از شعله فروزان حق در سینیای بیکران هستی، و موسی می‌خواهد که در موقف آن، با گذشتن از همه تعلقات، اهل و عیال خود را به درنگ و «تأمل» وا داشته و ندا در دهد که «إمکنوا»، اِنِّیْ اَنْسَتُ نَاراً لَعَلَّ اَنتِمْ مِنْهَا بَشَاهِبٌ قَبَسٍ او جَذْوَةٌ؛ باشد که جانهای افسرده و بی‌زده انسانها از گرمای آن به جنبش و جوش و خروش درآمده و تا عمق هستی خود گرم شوند، «لعلکم تصطلون».

سابقه نشریه «فلسفه» به مثابه یک نشریه فلسفی دانشگاهی به واپسین سالهای پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گردد که به همت یکی از اساتید با سابقه و موجه گروه فلسفه دانشگاه تهران که در آن سالها به مدیریت گروه

مجادلات سطحی و بی‌محتوا در عرصه‌های مختلف می‌شود. همچنین چه بسا اساتیدی که فرصت و زمان لازم برای نگارش یک کتاب مفصل تحقیقی در مباحث مورد علاقه خود را نداشته باشند ولی امکان طرح اجمالی اندیشه‌های خود و یا فیلسوفان مورد نظر خود را در حد یک مقاله دارا باشند؛ تحقق همه این نیات مشروط به وجود یک فضای مناسب برای طرح افکار، یعنی یک نشریه کاملاً تخصصی در خور مباحث فلسفی است. کاری که در بسیاری از کشورها از دهه‌ها و بلکه سده‌های گذشته به عنوان یکی از ضروریات هرگونه فعالیت علمی و تحقیق شناسخته شده است و حاصل تحقیقات، انتقادات و مطالعات ارباب نظر، در قالب ده‌ها ماهنامه و فصلنامه و سالنامه در موضوعات خرد و کلان فلسفی مرتباً منتشر می‌یابد. بنابراین هیچ عذری در توقف انتشار نشریه «فلسفه» پذیرفتنی نیست و سخن گفتن در ضرورت انتشار آن از قبیل توضیح و اوضاحت است.

و اما نکاتی چند درباره‌ی راه و روش و سبک و سرشت این نشریه؛ در یک کلام، و پس از تأدب به آداب عمومی یک نشریه پژوهشی و فلسفی از این دست که فی‌المثل مقالات منتشره باید از حد معینی از وزانت علمی و تحقیق برخوردار باشند، و این حد چنانچه به واسطه‌ی اشتها علمی شخصیت نویسنده آن احراز نگردیده باشد، از طریق ارزیابی تخصصی مورد نظر هیأت تحریریه مجله و یا سایر اساتید و همکارانی که هیئت تحریریه، صلاح بدانند، حاصل خواهد شد و نیز اینکه «انتقاد» در یک نشریه تخصصی و علمی، نه تنها مذموم نبوده و به معنای قذح و طعن بر اشخاص نیست که برعکس، اصل بر «انتقاد» بوده و هر مقاله یا کتاب یا نظریه‌ای که بطور جدی‌تر در معرض انتقاد واقع شود موجب افتخار نویسنده آن بوده و نشانه خروج از دامنه‌ی عقاید معمولی و قدرت بحث انگیزی

استاد و دانشیار و استادیار فلسفه با تخصص‌های مختلف تنها به کار تدریس یک برنامه‌ی مصوب درسی بیردازند که صد البته ضروری است و از وظایف اولیه‌ی آنهاست، مسلماً کافی نیست و بیشتر در خور شرح وظایف یک آموزشگاه فلسفی است تا یک نهاد علمی دانشگاهی. اینکه فعالیت فعلی و قبلی گروه فلسفه تا چه اندازه «آموزشگاهی» است و تا چه حد «دانشگاهی»، و اینکه برای پرکردن خلاء موجود میان این دو مقصد شبیه به هم ولی متفاوت از یکدیگر، چه فواصلی باید طی شود و چه نیازها و نواقصی می‌بایست برطرف گردد مجال بحث وسیعی را می‌طلبد، و رفع آن نواقص نیازمند ایجاد تغییرات اصولی است که پاره‌ای از آنها به فراهم ساختن امکانات و ایجاد توانمندی‌های مادی و مالی برمی‌گردد و برخی نیز به تحول در ساختار مقررات و بعضاً اهداف دانشگاهی و بسیاری مسائل دیگر، و ما را نه فعلاً جمالی برای پرداختن به آنها هست و نه چندان امیدی به رفع آنها. آنچه در این میان از ضروریات یک نهاد علمی - آموزشی و تحقیقاتی دانشگاهی است و از قضا دست یافتن به آن نیز مؤنه‌ی چندانی نمی‌طلبد وجود یک نشریه کاملاً علمی و پژوهشی است چه بسیار استادیانی که در گروه فلسفه دانشگاه تهران و یا سایر گروه‌های فلسفه در دانشگاه‌های سراسر کشور یا اساتید و صاحب‌نظران حکمت در حوزه‌های علمیه سنتی ما، در مباحث گوناگون فلسفی، صاحب رأی و نظر خاصی هستند و یا نسبت به برخی مطالب انتقادات مهم و چه بسا راهگشایی به نظرشان می‌رسد ولی به علت فقدان فضای مناسب بحث و گفتگوی علمی از طرح نظریه و یا انتقاد خود خودداری می‌ورزند. عدم برخورد انتقادی با اندیشه‌های کلی و یا جزئی، از یکسو نشاط علمی را به رکود و سردی و بی‌تفاوتی مبدل می‌سازد و از طرفی موجب رشد و اشاعه

آن خواهد بود و ... باری صرفنظر از این گونه ضوابط متین و شناخته شده نشریات پژوهشی، نشریه فلسفه<sup>۱</sup> به دلیل خاستگاه آن یعنی گروه فلسفه دانشگاه تهران دارای پاره‌ای ویژگی‌های موروثی از این گروه می‌باشد.

۱- فلسفه در این نشریه به معنای عام خود مورد نظر بوده و شامل کلیه جریانات و نخله‌های فکری و فلسفی در گذشته و حال و آینده در چهارچوب ضوابط شناخته شده مباحث عقلی پیرامون نظام هستی، حقیقت آدمی و توانایی‌های معرفتی و ارزشی و اخلاقی وی و رابطه میان وجود و موجود و مبدأ و معاد، و دیگر مباحث از این دست می‌باشد.

۲- اگر چه وظیفه تخصصی گروه فلسفه، تعلیم و تحقیق پیرامون فلسفه محض و تحقیق و تعمق در مبادی و مسائل فلسفه مغرب زمین و سیر تحولات آن در طول تاریخ فلسفه می‌باشد. ولی از آنجا که هیچ ملّتی یا فردی مادام که "من" خود را نشناسد امکان شناخت غیر "من" نخواهد داشت و به فرض آموختن طوطی‌وار تعالیم غیر، او هرگز از این شناخت در راه تعالی و هویت فردی "خود" بهره‌ای نخواهد برد. بنابراین بنیانگذار اصلی گروه فلسفه یعنی استاد مکرم جناب آقای دکتر محیی مهدوی - که خداوند سایه مبارک وی را بر سر دوستداران حکمت این مرز و بوم مستدام فرماید - اگر چه تحصیلات فلسفی خود را در دیار غرب فرا گرفته بود، به سائقه جبلت الهی و پرورش یافتن در خانواده‌ای با فرهنگ اصیل اسلامی و شیعی و بالتیجه آشنایی با فرهنگ معنوی و دینی در همان آغاز، به حکم "العلم فی الصغر" همواره نسبت به آشنایی دانشجویان با سنت اصیل فلسفه اسلامی عنایت ویژه‌ای مبذول می‌داشتند و لذا گروه فلسفه نیز از همان آغاز در جنب وظیفه آشنایی با فرهنگ و فلسفه غربی هیچگاه از آموزش فلسفه و فرهنگ اسلامی نیز غافل نبوده و در این

جهت احساس مسئولیت می‌کرده است، وجود اساتید مبرز فلسفه اسلامی به عنوان اعضای این گروه همچون استاد فاضل توفی (رحمة الله علیه) نشانگر همین روحیه بوده است و این سنت حسنه همچنان در گروه پابرجاست، و نیز در همان چند شماره‌ای که در قبل و بعد از انقلاب، منتشر شد، وجود مقالات اساتیدی چون حضرت استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی (رضوان الله علیه) و نیز استاد دکتر مهدی حائری یزدی (رحمة الله علیه) و نیز استاد آیه الله جوادی آملی، در جنب مقالات سایر اساتید مؤید این معناست. از هیئترو در نشریه کنونی فلسفه نیز عنایت به فلسفه اسلامی در کلیه ابعاد و مباحث آن به ویژه در زمینه‌های تطبیق یکی از ویژگی‌های اصلی آن خواهد بود.

۳- به عنوان آخرین نکته باید به رویکرد غالب گروه فلسفه و در نتیجه نشریه آن نسبت به جریانهای موجود در تاریخ فلسفه غرب اشاره شود. اگر چه در نکته نخست آمد که مقصود ما از فلسفه، تلقی عام از فلسفه می‌باشد، ولی آن نکته مغایرتی با این معنا ندارد که در میان جریانهای مختلفی که در تاریخ فلسفه غرب خصوصاً با عنایت به دوران جدید به چشم می‌خورد، این گروه همواره به جریان‌های کلاسیک و عمده تاریخ فلسفه نظر داشته است و فی‌المثل به آموزش سنت‌های بزرگ فلسفی مانند فلسفه یونان، فلاسفه عقلی مذهب، و سنت فلسفه انتقادی کانت و سنت فیلسوفان آلمانی بعد از وی، بیش از سایر نخله‌های فلسفی اهتمام می‌ورزیده است و این البته هرگز بدان معنا نیست که از سایر مکاتب و نخله‌های فکری مانند فیلسوفان تجربی مسلک و یا حوزه‌های خاص فلسفی در دوران معاصر رویگردان باشد؛ بلکه صرفاً به معنای برقراری تعادل و دادن حق هر نخله‌ای به تناسب به موقعیت و اهمیت وجودی آن در تاریخ فکر و

اندیشه بشری بوده است. البته اگر در یک کلام بخواهیم شاخصه و خصلت فلسف این گروه علمی و این نشریه پژوهشی را توصیف کنیم باید بگوئیم که نگاه و روحیه غالب در این هر دو، نگاه مابعدالطبیعه است. اگر چه همانطور که اشاره شد در گروه فلسفه همه جریانهای فکری و فلسفی مطرح شده در جهان غرب، تدریس و آموخته می شود در نشریه فلسفه نیز به تناسب، به بحث و نقد و نظر در همه زمینه های فلسفی، به خواست خدا، عنایت خواهد شد.

آنچه گفته شد همه در بردارنده خصائص کلی حاکم بر گروه و نشریه فلسفه بود ولی در این اینجا بجاست که به ذکر چند ویژگی مربوط به دوره جدید انتشار فلسفه نیز پردازیم. بطور کلی در این دوره سعی بر آنست که نشریه حتی الامکان از حالت انفعالی و صرف قراردادن مقالات وارده در کنار یکدیگر خارج شده و در همه زمینه ها نقش فعال بخود گیرد. از جمله اینکه پاره ای صفحات به ترجمه و تلخیص مقالات فلسفی منتشره در آخرین نشریات فلسفی غربی اختصاص یافته است. معمولاً نشریاتی که به معرفی مقالات می پردازند صرفاً در چند سطر به موضوع مورد بحث مقاله اشاره کرده و سپس نشانی آن مقاله را به اطلاع علاقمندان می رسانند ولی سبک کار ما ابتکاری و دارای فوائد ویژه ای است، زیرا صرف دادن نشانی مقالات، ممکن است تنها معدودی از محققین را بکار آید و تازه دشواری های یافتن منبع مورد نظر نیز به جای خود باقی است، ولی آنچه ما بدان پرداخته ایم یک ترجمه تلخیص گونه و به اصطلاح تقریری خلاصه شده از مقالات مورد نظر است؛ بطوریکه جان و روح استدلال و سخن نویسنده اصلی کاملاً به خواننده فارسی زبان منتقل شود، و به این ترتیب همه خوانندگان در جریان اندیشه مزبور قرار می گیرند و آنها که به دلایل تخصصی نیاز به

جزئیات بحث دارند، آنرا در متن اصلی مقاله خواهند یافت.

ویژگی دیگر سعی بر معرفی رساله های برجسته دانشجویان دوره دکتری فلسفه در هر یک از مراکز آموزشی کشور و حتی خارج از کشور می باشد. در این شماره به عنوان حسن مطلع رساله دکتری آقای دکتر کریستیان بنو (یحیی علوی) از کشور فرانسه که در آن به بررسی مبانی فلسفی و عرفانی اندیشه های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیه الله العظمی خمینی قدس سره الشریف پرداخته است معرفی شده است. امیدواریم این امر به اهتمام اساتید و فارغ التحصیلان دوره دکتری، پیوسته ادامه یابد.

بخشهای دیگری مانند نقد و معرفی آثار فلسفی نیز از همین شماره آغاز شده است که در آینده انشاء الله کاملتر خواهد شد. صفحاتی را نیز در اختیار دانشجویان مقاطع عالی تحصیلی قرار داده ایم که امیدواریم با فعال شدن دانشجویان دوره دکتری در این زمینه شاهد شکوفایی قدرت نقادی آنان و گسترش روحیه نقد پذیری در نویسندگان آثار فلسفی باشیم.

همچنین طرحهای دیگری در جهت نقد و بررسی موضوعات و مباحث فلسفی مد نظر است که به تدریج ارائه خواهد شد.

در پایان بی مناسبت نیست که به ساختار و نحوه اداره این نشریه نیز اشاره رود. این نشریه در گذشته به صورت نشریه تخصصی و ضمیمه نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتشر می شد. در دوره کنونی بنابراین است که دارای امتیاز انتشار مستقل شود و از صورت ضمیمه بودن (اداری) خارج شود، ولی تا زمانی که تشریفات و مراحل اداری این امر تحقق یابد با توافق ریاست محترم دانشکده و نیز عنایت جناب دکتر سید

عبدالله انوار سردبیر نشریه دانشکده ادبیات، به همان صورت گذشته منتشر خواهد شد، هر چند بطور داخلی از شورای تحریریه و سردبیر تخصصی خاص خود برخوردار است. در مورد شورای تحریریه در واقع تمامی اعضای گروه فلسفه جزء این شورا هستند ولی برای کار آمدی و سرعت بخشیدن به امور در یکی از جلسات شورای گروه فلسفه تعدادی از اعضای گروه به این شرح به عنوان شورای تحریریه انتخاب شده‌اند: ۱- دکتر رضا داوری اردکانی ۲- دکتر کریم مجتهدی ۳- دکتر غلامعلی حداد عادل ۴- دکتر احمد احمدی ۵- دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی ۶- دکتر سید محمد رضا حسینی (بهشتی) ۷- دکتر حسین غفاری ۸- دکتر علی پایا.

از این جمع نگارنده به حسب مسئولیتی که در گروه دارد به عنوان سردبیر تخصصی نشریه تعیین گردیده است. همچنین آقای مجید حمیدزاده به عنوان همکار پژوهشی و مدیر اجرایی مجله منصوب گردیدند. و نیز بجااست که از زحمات جناب آقای علیرضا مختاریور که فارغ التحصیل دوره کارشناسی ارشد همین گروه هستند

و سهم عمده و اساسی در ویرایش و تنظیم مقالات و آماده‌سازی نهایی مجله دارا هستند و نیز سرکار خانم فنا که ایشان نیز در ویرایش و تصحیح مقالات، مجدانه همکاری داشته‌اند و نیز سرکارخانم سایه میثمی دانشجوی فارغ التحصیل کارشناسی ارشد همین گروه که مسئولیت بخش انگلیسی مجله را عهده‌دار هستند و سایر عزیزانی که ذکر نام همه آنها مقدور نیست صمیمانه قدردانی نماید.

شورای تحریریه نشریه فلسفه، اعضای گروه فلسفه دانشگاه تهران، و سردبیر تخصصی نشریه فلسفه، با نهایت صمیمیت و تواضع اعلام می‌دارند که این نشریه متعلق به تمامی اصحاب فکر و اندیشه فلسفی در این مرز و بوم است و با آغوش باز، اساتید محترم سایر دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه را به همکاری و همفکری فرا می‌خواند، باشد که حاصل این تلاش، راهی باشد به سوی گمشده ازلی، که «الحکمة ضالة المؤمن».

والسلام علینا و علی من اتبع الهدی

سردبیر تخصصی

حسین غفاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

